

محیط‌زیستی، این تحول را تسریع بخشد.

نقشه راه صنعتی و ثبات سیاست‌گذاری سیزدهمین و شاید مهم‌ترین راهکار است. صنایع ایران نیازمند یک نقشه راه روشن و بلندمدت هستند که با تغییر دولت‌ها دگرگون نشود. تدوین استراتژی صنعتی ملی با مشارکت همه ذی‌نفعان و پایداری به اجرای آن می‌تواند ثبات لازم را ایجاد کند. این استراتژی باید براساس مزیت‌های نسبی ایران و نیازهای آینده جهان طراحی شود. ثبات در سیاست‌گذاری‌های صنعتی، مالیاتی و تجاری به صنعتگران امکان برنامه‌ریزی بلندمدت می‌دهد که خود عاملی کلیدی در توسعه صنعتی است. اجرای این راهکارها نیازمند عزم ملی، مدیریت کارآمد و مشارکت همه بخش‌های جامعه است. صنایع ایران در صورت به‌کارگیری این سیاست‌ها می‌توانند نه‌تنها از بحران فعلی خارج شوند، بلکه به موتور محرک توسعه اقتصادی تبدیل شوند. تجربه کشورهای موفق نشان داده است که حتی صنایع رو به زوال نیز با اصلاحات ساختاری و مدیریت صحیح قابلیت احیا دارند. سؤال اینجاست که آیا اراده سیاسی و اجتماعی لازم برای اجرای این تغییرات وجود دارد یا خیر. پاسخ به این سؤال آینده صنایع و به تبع آن آینده اقتصادی ایران را تعیین خواهد کرد.

سخن آخر و نتیجه‌گیری

صنایع ایران امروز بر سر دو راهی سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌اند. از یک سو، سال‌ها غفلت، سوء‌مدیریت، تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، آن‌ها را به لبه پرتگاه رسانده است.

از سوی دیگر، ظرفیت‌های عظیم نیروی انسانی جوان، منابع طبیعی غنی و موقعیت استراتژیک جغرافیایی، پنجره‌ای از امید به آینده‌ای بهتر را گشوده نگه داشته‌اند. آنچه در این میان تعیین‌کننده خواهد بود، انتخاب میان ادامه روند فعلی که به افول قطعی می‌انجامد، یا جرات تغییر مسیر و اتخاذ راهکارهای بنیادین است.

واقعیت این است که صنایع ایران نه محکوم به مرگ هستند و نه نجات آن‌ها بدون هزینه و تلاش جدی ممکن خواهد بود. خروج از این وضعیت بحرانی نیازمند پذیرش چند حقیقت سخت است: نخست اینکه نظام مدیریتی فعلی پاسخگوی نیازهای صنعت نیست و باید متحول شود. دوم اینکه رابطه صنعت و دانشگاه باید از شکل صوری فعلی خارج شده و به پیوندی زنده و پویا تبدیل شود. سوم اینکه اقتصاد ایران نمی‌تواند به‌طور نامحدود در درآمدهای نفتی تکیه کند و صنعت باید جایگاه واقعی خود را در اقتصاد ملی بازابد.

راهکارهای پیشنهادی در اینجا اگرچه جامع هستند، اما اجرای آن‌ها نیازمند شرایطی است که مهم‌ترین آن «ثبات و پیگیری» است. تجربه کشورهای موفق نشان داده که توسعه صنعتی فرایندی زمان‌بر است که حداقل به یک تا دودهه برنامه‌ریزی منسجم و پایدار نیاز دارد. صنایع ایران نیز برای احیا به چنین افق زمانی نیاز دارند، نه طرح‌های ضرب‌الاجلی که هر دولت با تغییر سیاست‌ها آن‌ها را دگرگون می‌کند.

نکته امیدبخش این است که در میان تمامی مشکلات، هنوز ظرفیت‌های قابل توجهی در صنایع ایران وجود دارد. نیروی انسانی خلاق، زیرساخت‌های موجود و تجربه چند دهه صنعتی‌شدن، دارایی‌هایی هستند که می‌توان روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرد. آنچه نیاز است، تبدیل این ظرفیت‌های پراکنده به یک برنامه منسجم ملی با مشارکت همه ذی‌نفعان- از دولت و بخش خصوصی تا دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی- است.

آینده صنایع ایران را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما می‌توان ساخت. این آینده می‌تواند ادامه روند فعلی باشد که به حذف تدریجی صنعت از اقتصاد ملی می‌انجامد یا می‌تواند مسیر تحول و نوسازی را در پیش گیرد که ایران را به جایگاه واقعی‌اش در منطقه و جهان بازگرداند. انتخاب نهایی این مسیر به تصمیم امروز سیاست‌گذاران، صنعتگران و جامعه بستگی دارد. یک چیز مسلم است: هرچه این تصمیم‌گیری به تأخیر یفتد، هزینه نجات صنایع بیشتر خواهد شد و شاید روزی برسد که دیگر فرصتی برای جبران باقی نمانده باشد.

صنایع ایران بیمار هستند، اما این بیماری علاج‌پذیر است. آنچه نیاز است، تشخیص درست، تجویز مناسب و اراده قوی برای پیگیری درمان تا بهبود کامل است. آیا این اراده جمعی وجود دارد؟ پاسخ این سؤال را آینده نزدیک نشان خواهد داد، اما باید به خاطر داشت که صنایع پویا نه‌فقط برای اقتصاد، که برای استقلال و عزت ملی هر کشوری ضرورتی انکارناپذیر هستند.

#### منابع ومراجع:

- ۱.بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). گزارش اقتصادی و نظارتی سالانه. تهران: انتشارات بانک مرکزی.
- ۲.مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). نتایج تفصیلی سرشماری کارگاه‌های صنعتی کشور. تهران: انتشارات مرکز آمار.
- ۳.سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۰). گزارش عملکرد صادرات صنعتی. تهران: معاونت برنامه‌ریزی.
- ۴.کلباسی، ا. و محمدی، ر. (۱۳۹۹). «تحلیل چالش‌های مدیریتی صنایع بزرگ ایران». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت صنعتی، ۳۱(۳)، ۴۵-۶۷.
- ۵.مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۲). «بررسی اثرات تحریم بر صنایع مادر ایران». گزارش پژوهشی شماره ۲۴۵.
۶. World Bank Publications (۲۰۲۳). Iran Economic Monitor: Industrial Sector Challenges. Washington, DC:World Bank Publications.
۷. IMF Country Report (۲۰۲۲). Islamic Republic of Iran: Selected Issues. IMF, Middle East and Central Asia Department.
۸. Porter, M. E (۲۰۱۹). The Competitive Advantage of Nations. New York: Free Press.
۹. UNIDO (۲۰۲۱). Industrial Development Report: Competitive Industrial Performance Index. Vienna: United Nations.
۱۰. McKinsey Global Institute (۲۰۲۰). Reimagining Economic Growth in Emerging Markets. London: McKinsey & Company.



معطوف به بازار داخلی خارج شده و به سمت بازارهای بین‌المللی حرکت کنند. این کار مستلزم بهبود کیفیت محصولات، رعایت استانداردهای بین‌المللی، توسعه برندینگ و بازاریابی جهانی است. دولت می‌تواند با انعقاد توافقنامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه، شرکت‌های ایرانی را به زنجیره ارزش جهانی متصل کند. همچنین ایجاد مناطق ویژه اقتصادی صادرات‌محور با معافیت‌های مالیاتی و گمرکی می‌تواند به صنایع صادراتی کمک شایانی کند. توسعه دیپلماسی اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های کشورهای همسایه نیز از دیگر راهکارهای مهم در این زمینه است. صنایعی مانند پتروشیمی، فولاد، صنایع معدنی و صنایع غذایی پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به قطب‌های صادراتی دارند، اما نیازمند حمایت‌های هدفمند هستند.

حمایت هوشمند از صنایع کوچک و متوسط ششمین راهکار کلیدی است. این صنایع که در بسیاری از کشورها موتور محرک اشتغال و نوآوری هستند، در ایران مورد غفلت واقع شده‌اند. ایجاد خوشه‌های صنعتی، توسعه شهرک‌های صنعتی تخصصی، ارائه تسهیلات مالی ویژه و ایجاد بازارهای فروش مناسب می‌تواند به رشد این بخش کمک کند. تجربه نشان داده است که صنایع کوچک و متوسط انعطاف‌پذیری بیشتری در برابر بحران‌ها دارند و می‌توانند سریع‌تر با شرایط جدید سازگار شوند. دولت باید به جای حمایت از شرکت‌های بزرگ ناکارآمد، به تقویت این بخش بپردازد. ایجاد شبکه‌ای از این صنایع که بتوانند در کنار هم فعالیت کنند و از صرفه‌های ناشی از مقیاس بهره‌برند، می‌تواند راهگشا باشد.

بهبود روابط بین‌المللی و کاهش اثر تحریم‌ها هفتمین راهکار ضروری است. در شرایطی که تحریم‌ها همچنان مهم‌ترین مانع بیرونی صنایع ایران محسوب می‌شوند، دیپلماسی فعال اقتصادی می‌تواند راه‌حلی برای کاهش این فشارها بیابد. تنش‌زدایی با کشورهای منطقه و جهان، پیوستن به پیمان‌های تجاری منطقه‌ای و استفاده از مکانیسم‌های مالی بین‌المللی می‌تواند فضای تنفسی برای صنایع ایران ایجاد کند. در عین حال، توسعه راهکارهای بومی برای دور زدن تحریم‌ها از طریق استفاده از ارزهای دیجیتال، مبادلات تهاتری و ایجاد کانال‌های مالی جایگزین نیز می‌تواند مؤثر باشد. البته این راهکارها موقتی هستند و راه‌حل نهایی، بهبود روابط بین‌المللی است. توسعه منابع انسانی و مهارت‌آموزی هشتمین راهکار اساسی است. صنایع ایران با کمبود نیروی کار ماهر و متخصص مواجه هستند. بازنگری در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، هماهنگی بین دانشگاه‌ها و نیازهای صنعت و ایجاد مراکز آموزش تخصصی می‌تواند این شکاف را پر کند. جلوگیری از فرار مغزها نیز نیازمند ایجاد شرایط مناسب شغلی، درآمدی و تحقیقاتی برای متخصصان است. صنایع ایران باید به سمت دانش‌بنیانی شدن حرکت کنند و این مستلزم جذب و حفظ نیروهای متخصص است. برنامه‌ریزی برای تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای آینده صنعت نیز از ضروریات است.

توسعه زیرساخت‌های صنعتی نهمین راهکار مهم است. صنایع ایران با مشکلات جدی در زمینه زیرساخت‌های انرژی، حمل‌ونقل، ارتباطات و لجستیک مواجه هستند. سرمایه‌گذاری در توسعه راه‌ها، بنادر، شبکه ریلی، سیستم‌های دیجیتال و زیرساخت‌های انرژی می‌تواند هزینه‌های تولید را به شدت کاهش دهد. ایجاد کریدورهای حمل‌ونقل ویژه برای صنایع سنگین، توسعه بنادر اختصاصی برای صادرات محصولات صنعتی و مدرنیزه کردن سیستم‌های توزیع انرژی از جمله این اقدامات است. زیرساخت‌های دیجیتال نیز امروزه به اندازه زیرساخت‌های فیزیکی اهمیت دارند و صنعت ایران نیازمند تحول دیجیتال است.

بازنگری در سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای دهمین راهکار کلیدی است. سیاست‌های فعلی تجاری نه از تولید داخلی به شکل مؤثر حمایت می‌کند و نه مصرف‌کننده را راضی نگه می‌دارد. طراحی نظام تعرفه‌ای هوشمند که از صنایع نوپا حمایت کند، ولی انحصارگرایی صنایع قدیمی را تقویت نکند، ضروری است. مبارزه جدی با قاچاق کالا و ایجاد تعرفه‌های متغیر براساس نیازهای صنعتی می‌تواند به توازن بازار کمک کند. در عین حال، سیاست‌های تجاری باید به گونه‌ای طراحی شوند که صنایع را به سمت رقابت‌پذیری بین‌المللی سوق دهند، نه انزوای بیشتر.

توسعه مدیریت زنجیره تأمین یازدهمین راهکار ضروری است. صنایع ایران با مشکلات جدی در زمینه تأمین مواد اولیه، مدیریت موجودی و توزیع محصولات مواجه هستند. ایجاد سیستم‌های یکپارچه مدیریت زنجیره تأمین، توسعه مراکز تدارکات مدرن و استفاده از فناوری‌های دیجیتال در این زمینه می‌تواند کارایی صنایع را به شدت افزایش دهد. تشکیل کنسرسیوم‌های تأمین مواد اولیه برای صنایع مشابه نیز می‌تواند از هزینه‌ها بکاهد. توسعه پایدار و توجه به محیط‌زیست دوازدهمین راهکار مهم است. صنایع ایران باید به سمت تولید پاک و استفاده از فناوری‌های دوستدار محیط‌زیست حرکت کنند. این کار نه‌تنها مسئولیت اجتماعی صنایع است، بلکه در بلندمدت به صرفه‌جویی در هزینه‌ها نیز منجر می‌شود. دولت می‌تواند با ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای صنایع سبز، اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت برای نوسازی تجهیزات آلاینده و وضع استانداردهای سختگیرانه

تحریم‌های اخیر نشان داده است که ضعف صنایع داخلی چگونه می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیندازد. رکود صنعتی در ایران پیامدهای چنان عمیقی داشته که می‌توان گفت تقریباً هیچ جنبه‌ای از زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور از تأثیرات آن در امان نمانده است. از اقتصاد کلان گرفته تا زندگی روزمره مردم، همه و همه تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند. حل این مشکلات نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ای جامع است. اما به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، نه دولت و نه بخش خصوصی هیچ کدام منابع و اراده لازم برای تغییر این روند را ندارند. سؤال اینجاست که آیا صنایع ایران می‌توانند از این بحران جان سالم به در ببرند یا اینکه شاهد مرگ تدریجی آنها خواهیم بود؟ پاسخ این سؤال به تصمیمات امروز ما بستگی دارد.

#### چاره‌جویی برای برون‌رفت صنایع ایران از بحران

صنایع ایران در گرداب مشکلات پیچیده‌ای دست‌وپا می‌زنند که نجات آن‌ها نیازمند تحولی اساسی و همه‌جانبه است. اولین و مهم‌ترین گام، اصلاح ساختار مدیریتی و حکمرانی صنعتی است. باید پذیرفت که سیستم مدیریتی فعلی با تمرکز شدید بر تصمیم‌گیری‌های دولتی و نادیده گرفتن تخصص‌های فنی، کارایی خود را از دست داده است. ایجاد هیأت‌های مدیره تخصصی و مستقل برای شرکت‌های بزرگ صنعتی، تفکیک مدیریت صنعتی از سیاست‌زدگی و استقرار نظام شایسته‌سالاری واقعی می‌تواند تحولی عظیم ایجاد کند. مدیران صنعتی باید براساس معیارهای تخصصی و تجربه عملی انتخاب شوند، نه وابستگی‌های سیاسی. تجربه کشورهای موفق نشان داده که حرفه‌ای‌سازی مدیریت صنعتی یکی از ارکان اصلی توسعه صنعتی است. در کنار این موضوع، مبارزه جدی و بی‌امان با فساد مالی و اداری در صنایع نیز ضرورتی انکارناپذیر است. ایجاد سیستم‌های نظارتی مستقل، شفاف‌سازی مالی و پاسخگو کردن مدیران می‌تواند فضای فسادزده فعلی را تا حد زیادی پاکسازی کند. بهبود فضای کسب و کار دومین محور اساسی برای نجات صنایع ایران است. امروز صنعتگر ایرانی با انبوهی از مقررات دست‌وپاگیر، بوروکراسی پیچیده و نهادهای موازی تصمیم‌گیرنده مواجه است که هر کدام به سهم خود مانع از فعالیت مولد می‌شوند. ساده‌سازی فرایندهای اداری، کاهش مراحل صدور مجوزها، حذف مقررات زائد و یکپارچه‌سازی نهادهای نظارتی می‌تواند هزینه‌های مبادله را به شدت کاهش دهد. تجربه کشورهای در حال توسعه موفق نشان می‌دهد که بهبود جایگاه در شاخص‌های انجام کسب‌و کار مستقیماً بر رشد صنعتی تأثیر می‌گذارد. به‌طور خاص، اصلاح قوانین کار به گونه‌ای که هم حقوق کارگران و هم انعطاف‌پذیری لازم برای صنعت را تأمین کند، از ضروریات است. قوانین فعلی کار در ایران نه از کارگران به شکل مؤثر حمایت می‌کند و نه به صنعتگران انعطاف لازم را می‌دهد. ایجاد توازن بین این دو نیاز، مستلزم بازنگری اساسی در قوانین و مقررات کار است.

توسعه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی صنایع سومین راهکار کلیدی است. صنایع ایران به شدت از کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش رنج می‌برند. ایجاد سازوکارهای نوین تأمین مالی مانند توسعه بازار سرمایه صنعتی، راهاندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر، تسهیل دسترسی به اعتبارات بانکی با نرخ‌های معقول و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند این مشکل را تا حد زیادی حل کند. بانک‌ها باید از حالت فعلی که بیشتر به نهادهای تجاری شبیه هستند، به سمت بانک‌های توسعه‌ای و صنعتی حرکت کنند. همچنین ایجاد شرایط امن و پایدار برای سرمایه‌گذاران خارجی با تضمین حقوق مالکیت، ثبات قوانین و امکان انتقال سود می‌تواند صنایع ایران را از انزوای فعلی خارج کند. در این زمینه، استفاده از مکانیسم‌های مالی اسلامی مانند صکوک و سایر ابزارهای مالی نوین می‌تواند گزینه مناسبی باشد. نکته مهم این است که سرمایه‌گذاری‌ها باید به سمت صنایع مولد و دارای ارزش افزوده بالا هدایت شود، نه فعالیت‌های دلالی و سوداگرانه.

ارتقای فناوری و نوآوری چهارمین راهکار اساسی است. صنایع ایران به شدت از فناوری‌های قدیمی و منسوخ رنج می‌برند. ایجاد سازوکارهای انتقال فناوری روز دنیا، توسعه مراکز تحقیق و توسعه صنعتی، تقویت ارتباط بین دانشگاه و صنعت و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند این شکاف فناوریانه را پر کند. دولت باید با ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند، زمینه ارتقای فناوری را فراهم آورد. از طرف دیگر، توسعه پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد در کنار قطب‌های صنعتی می‌تواند به تجاری‌سازی تحقیقات کمک کند. تجربه کشورهایی مانند کره‌جنوبی نشان می‌دهد که جهش صنعتی بدون سرمایه‌گذاری جدی در تحقیق و توسعه ممکن نیست. در ایران نیز باید سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی به طور جدی افزایش یابد.

توسعه صادرات و ادغام در زنجیره‌های ارزش جهانی پنجمین راهکار مهم است. صنایع ایران باید از حالت

